

موقعیت سیاسی جبهه دوم خرداد در آستانه انتخابات ریاست جمهوری

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری که می‌تواند دومین دوره ریاست جمهوری خاتمی باشد، ایران شاهد بکه تازی های ارکان های حزب اله است. ماشین جنگی حزب اله که در ۲۰ ساله گذشته مهارت قابل ملاحظه خود را در سرکوب آزادی بدون رنگ اسلامی ثابت کرده است در چندین جبهه اصلاح طلبان دوم خردادی را شکست های سختی داده است. ارکان های حزب اله مانند ولایت فقیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، دادگستری، سپاه پاسداران، بسیج، کمیته ها با اولین وزش های نسیم اصلاحات دوم خردادی یکدستی و انسجام جدیدی برای خود برپا کرده اند.

اعدام های فتوایی چند کمونیست و فروهرهای سوسیالیست ملی (فاشیست) توسط مأموران وزارت اطلاعات اعلان خطری به نیروهای سیاسی غیر مذهبی خاتمی گرا بود. سیاست مرسوم در میان آیت اله های فتوا دهنده در این است که دست سربازان مذهبی وفادار بخود را در راستای سیاست کلی خود باز میگذارند و بعد از انجام شدن کار غیره قانونی اما شرعی، بسته به واکنش مردم در مقابل آن عمل اگر منفی باشد از اجرا کننده گان فتوای خود فاصله میگیرند و در حین پنهان کاری از مجریان حمایت میکنند. سیاستی که در مورد قاتلان شرعی توسط داد گستری شریعت زده اجرا شد، متکی به تأخیر، گنگ کردن علت وجودی دادگاه، فرصت دادن به موافقان سیاسی قتل های شرعی تا آن را توضیح دهند و حزب اله را پشت آن بسیج کنند و در نهایت دادگستری حداکثر سعی خود را کرد تا فتوا دهنده گان را از مسئولیت میرا کند و حداکثر حمایت را از قاتلان کرد چون آنها وظیفه شرعی خود و مقلد بودن را انجام میدادند. در این دادگاه دست اصلاح طلبان قوی بود چون فقیه خامنه ای در شأن خود ندید برای نجات جان چند سرباز گمنام شیعه سیاسی موضع بگیرد.

به کوشش عطاء اله مهاجرانی آزادی مطبوعات مذهبی که بیشتر در جهت رشد و مردم پسند شدن بیشتر جنبش دوم خرداد بود، بزرگترین خطر را متوجه ارکان های قدرت حزب اله سنتی کرد. حزب اله، دادگستری را پیش انداخت تا صدای نشریات مذهبی اصلاح طلب را خاموش کند. مرحله اول این حمله در جهت بستن مؤسسه نشریه بود. از آنجا که مهاجرانی به همان سرعتی که دادگستری نشریات را میبست اجازه تأسیس نشریه دیگر را میداد و نویسندگان یکسانی برای نشریات جدید مینوشتند. مرحله دوم حمله دادگستری تفتیش عقاید متوجه نویسندگان مخالف حزب اله شد که منجر به محکومیت های زندان برای آنها که شجاعت و زبان ورزی میکردند شد، بعضی روزنامه نگاران صرفاً چون جاززند و به خاموشی و یا خود سانسوری رضایت دادند مشمول بخشش اسلامی شدند. نویسنده های درخشان، شجاع و مترقی مانند گنجی و نبوی به دسته اول و بهنود به دسته دوم تعلق دارند.

کنفرانس برلن فرصت دیگری به حزب اله حاکم داد تا حساب خود را با شخصیت های سیاسی مذهبی و غیر مذهبی تصفیه کند و آنها را بجای خود بنشانند. حزب اله حاکم که تجربه قابل ملاحظه ای برای سرکوب نیروهای سیاسی میانه رو دارد که در از میدان سیاست بدر کردن اول بازرگان و بعد بنی صدر بدست آورده است. در این دوره از مبارزه خود بر علیه اصلاح طلبان و میانه روها به سرکوب مرحله ای آنها ادامه میدهد. گروه جوان انقلابی شیعه سیاسی به رهبری رفسنجانی، خامنه ای و همکاران کشته شده و زنده آنها که سرنوشت انقلاب ۵۷ را بدست گرفتند و رژیم شیعه سیاسی را از شعار به واقعیت تبدیل کردند هنوز به تاریخ معاصر ایران شکل میدهند و سرنوشت گردش های تاریخی ایران را در دست دارند. این رهبری سیاسی که مخالفان سیاسی مصمم و اندک خود را با اعدام و زندان خاموش میکند و مخالفان سیاسی فراوان لرزان و دو پهلوی خود را با خوف و وحشت تسلیم میکند متکی به همان دستگاه سرکوبی است که از بدو انقلاب به آن متکی بوده است.

گروه رفسنجانی- خامنه ای با ترساندن روحانیت شیعه از عواقب سقوط رژیم اسلامی با هرگونه میانه روی سیاسی که ضرورتاً شامل ترک سیاست ضد غربی و فشار های اسلامی بر مردم و آزادی های سیاسی برای مردم، امکان پذیر میشود پشتیبانی آنها را جلب میکند. تردیدی نیست که این گروه نه تنها پایگاه خود را در میان مردمان مذهبی از دست داده است، بلکه پایگاه وسیعی در

میان روحانیت شیعه نیز ندارد. در حال حاضر رفسنجانی - خامنه ای متکی به رفقای انقلابی قدیمی و کادربهای وفادار در حزب جمهوری اسلامی هستند. گروه های سیاسی مذهبی که با آنها همکاری میکنند با تغییرات سیاسی بنیادی در ترک رفسنجانی - خامنه ای تردید نخواهند کرد. پایگاه اصلی قدرت این دو در جنگجویهای خیابانی حزب الهی و جماعت نماز جمعه ای است. پشتیبانی فرماندهان سپاه، کمیته ها، بسیج و بخش هایی از نیروهای مسلح اگر چه قابل اهمیت است اما به اهمیت پایگاه اصلی قدرت آنها نیست.

جبهه مشارکت اسلامی ملی که در انتخابات اخیر مجلس و انجمن شهر پیروز شد، بخوبی نشان داد که از پایگاه مردمی قابل ملاحظه ای برخوردار است، اگر چه چهره های دگردیس شده افراطی اوائل انقلاب در میان آنها فراوان است. اهمیت جبهه مشارکت در توانایی سازمانی آن در سراسر کشور است. انتخابات ریاست جمهوری با وجود نامزدی خاتمی و احتمالاً پیروزی آن باری از غیر قانونی بودن انتخابات بعلت دست چین شدن نامزدهای ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان که اراده رفسنجانی - خامنه ای را اجرا میکند نمی کاهد. دیر یا زود جبهه مشارکت چه در مجلس و یا رئیس جمهوری بعلت انتخاب شدنش از طرف مردم میباید با دزدان حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی مردم که دستگاه ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجمع مصلحت نظام، دادگستری حزب الهی، امام های جمعه و..... هستند روبرو شود. جبهه مشارکت در هر صورت باید برای انسجام و سازمان بندی خود همواره بکوشد چه بیشترین ارزش آن در سراسری و ملی بودن است.

چنانچه گروه رفسنجانی - خامنه ای پایگاه های قدرتش ویران شود که شانس آن با تمام پوسیدگی کمتر از ۵۰ درصد است، این بدان معنی نخواهد بود که مشکلات ایران پایان خواهد یافت یا حل خواهد شد. بلکه این دوران انتقالی به همان خطرناکی و توان ویرانگری خواهد بود که بعد از انقلاب ۵۷ بود. کمونیست ها و مجاهدین خلق هنوز برنامه های ویرانگر یکسانی بمانند سال ۵۷ دارند که بزرگترین خطر را برای ایران تشکیل میدهند. چنانچه جبهه مشارکت بتواند بر موج تغییرات سوار شود و آن را رهبری کند تجربه کادربهای دولتی آنها مردم را از اشتباهات زیادی مصون نگه میدارد. دولتی که تشکیل میشود برای مردمی بودن دو اصل را هرگز نباید فراموش کند، یکی اینکه در مقابل نیروهای سیاسی پریها و کوچک افراطی کمونیست ها، مجاهدین و حزب اله محکم بایستد و دوم برای برپائی دموکراسی و اراده مردم همواره کوشا باشد. جبهه مشارکت بدون ترک مذهبی بودن خود پذیرش مردمی طولانی نخواهد داشت.

مشکلات ایران همان قدر که سیاسی است اقتصادی هم هست. از آنجا که ادبیات اقتصادی ایران مناصر توسط کمونیست ها نوشته شده است و معتقدین و مدافعان اقتصاد مردمی در مقابل اقتصاد دولتی یا کمونیستی برای مردم نظریات اقتصادی خود را توضیح نداده اند و اکثر تحصیل کرده ها به اقتصاد دولتی و کمونیستی اعتقاد دارند مشکلات اقتصادی ایران پر دوام تر از سیاسی آن خواهد بود. امید های زیادی به انتخابات رئیس جمهوری که در پیش است بسته شده است. این انتخابات فرصت دیگری برای مردم ایران است که رای به اصلاحات بدهند و به مانند همه بررسی رای منفی به حزب اله بدهند. در شرایط بهتری بدون دخالت ضد مردمی شورای نگهبان نامزدهای انتخاباتی بهتری میتوانستیم برای رئیس جمهوری داشت باشیم مانند اکبر گنجی، نبوی، مهاجرانی و اگر مردم مجبور بودند به آخوندی رای بدهند به ایشگوری رای میدادند. باید فراموش نکنیم که گوگوش هم در ایران امروز شانس انتخاب شدن برای رئیس جمهوری دارد و اگر انتخاب نشود حداقل انتخابات را پر آب و رنگتر خواهد کرد. در هر صورت به نظر میرسد خاتمی دوره دوم ریاست جمهوری خود را خواهد داشت و حزب اله به چیدن پره های کیوتر اصلاحات ادامه خواهد داد. ۱۶-۰۱-۱۹۹۰